

بررسی سیر متناقض اندیشه‌های «احمد کسروی» در سالگرد اعدام انقلابی‌اش

از ژست اصلاح دینی تا نفی همه ادیان!



جدایی در راه و برخی پایه‌گذاری‌هاست و این بایستی باشد». آنچنان که از مجموعه نقل‌های فوق برمی‌آید، جنبش اصلاح دینی او که به تجدیدنظرطلبی دینی گراییده بود، در نهایت با نفی همه ادیان و همچنین هم‌عرض دانستن آنان به چنین نتیجه‌ای می‌رسد که «پاک‌دینی» خود باید عرضه‌کننده شریعت جدیدی شود که در روزگار پایان یافته اسلام مردم را هدایت کند. دینی که از نظر کسروی مورد تأکید قرار می‌گرفت هرچند انباشتی از ارزش‌های انسانی و مطلوب در جوامع مختلف بود اما ناظر به هیچ‌گونه جریان اعتقادی نبود، دینی که صرفاًوعده برداشتی انسانی در جوامع نوین را می‌داد اما کاشت آن فاقد مبانی نظری و شریعت نبود، از همین جهت ناگزیر سعی می‌کرد با نفی و تمسخر اصل «معاد» آن را مرفقی در این جهان تعریف کند.

کسروی هرچند که به علت فقدان مبانی نظری صحیح و صرفاً با شکل دادن به یک کشکول از ارزش‌های مورد پسند سعی می‌کرد «پاک‌دینی» را که جایگاهی میهم در مسیر اصلاح دینی یا تغییر شریعت داشت، تدوین کند اما در نهایت به مسیری افتاد که بخش قابل توجهی از «روشنفکران دینی» سعی در ادامه آن داشتند. قدسی‌زدایی از ساحت دین و فاقد اصالت دانستن اندیشه واحد الهی، زمینه‌های گرفتار شدن به «پلورالیسم دینی» و تعدد منشا حق و حقانیت را ایجاد کرد. فراتر از اینها هر چند که هیچ‌وقت گروهی تلاش برای احیای نام کسروی نکرد اما شکل و شمایل‌بخشی به «معنویت» و «اخلاق» برای سبکی از زیست دینی که اتکا به عنصر «شریعت» ندارد، در بخش قابل توجهی از پروژه‌های روشنفکری دینی مورد تأکید قرار گرفت.

راه‌های هدایت خاص خود را داشته‌اند و هیچ برتری نسبی‌ای در مقابل یکدیگر ندارند، گام در راه ارائه یک آیین جدید می‌گذارد. او که ابتدای امر می‌گفت «تخست باید دانست اسلام ۲ تاست: یکی اسلامی که پاک مرد ۱۳۵۰ سال پیش بنیاد نهاد و تا قرن‌ها برپا می‌بود، و دیگری اسلامی که امروز هست و به رنگ‌های گوناگونی از سنی و شیعی و اسلامی و علی‌اللهی و شیخی و کریمخانی و مانند اینها نمودار گردیده. این دو را اسلام می‌نامند ولی یکی نیستند و به یکباره از هم جدایند»، بعدها توصیه به آن می‌کرد که «همه مذاهب و کیش‌ها و فرقه‌ها، اختلافات را کنار گذاشته و متوجه اصول مشترک و کلی مذهب باشند و به کلیت اسلامی بودن به‌جای تفاوت‌های فرقه‌ای توجه کنند».

او در ادامه این مسیر متناقض که ابتدا مدعی اصلاح حرکت دینی در بستر زمانی بود و بعدها نافی اساس آن شد، ادعا کرد «هدف ما آن است که چهارده و پانزده کیشی که در ایران است را یک به یک براندازیم و همه مردم را به شاهراه آوریم و در این راه به یاری خدا پیروزیم. پس اگر اندوه اسلام را می‌خورید از اسلام چیزی نمانده، اگر در بند آن بنای ذهنی هستید، آن سراسر زیان است»، «دینی که همه جهانبان آن را بپذیرند جز پاک‌دینی نیست، این دینی که از آغاز تا انجامش آمیغ‌هاست و از راه دانش‌ها و چه از روی سود و زیان زندگانی و چه دیگر بارها کمترین ایرادی به آن گرفته نمی‌شود، این نیرو را خواهد داشت که همگی خردمندان فاضل را-چه از اروپا و چه از آمریکا و چه آسیا- به خود گروود و همگی را در یک شاهراه گرد آورد و تنها کسانی در بیرون مانند که خرده‌اشان از کار افتاده، «پاک‌دینی جاشین اسلام است، در گوهر و بنیاد جدایی نمی‌باشد،

همان‌طور که اشاره شد تعریف «پیشرفت» در منظومه نظری کسروی در نهایت او را همانند جریان بهائیت به سمت نفی خاتمیت و بعدها انکار اسلام اولیه برد؛ می‌نویسد «این خواست خداست که هر چند گاه یکبار جنبش خدایی رخ دهد و یک راه رستگاری به روی جهانبان باز گردد و گمراهی‌ها از میان برود. لکن مسلمانان آن را با اسلام پایان یافته می‌شمارند و بی‌خردهانه دست خدا را بسته می‌دانند». او در جایی دیگر با اشاره به اینکه «در جهان چنانکه باید دانشمندانی باشند که با کوشش‌های خود به آگاهی‌های مردمان بیفزایند و مخترعانی باشند که افزارهایی برای زندگی بسازند، همچنان باید گاهی مردان خدایی برخیزند و جهانبان را از رازهای نهان زندگانی آگاه گردانند و راه آسایش و خرسندی را به آنان نشان دهند و یک آیینی برای زیستن در میان آنان پدید آورند». او مسیر



در مقابل خود را مسیری مبتنی بر یک رسالت در جهت ابداع شریعتی نوین که «پاک‌دینی» باشد می‌داند. تفاسیر مبهم او از پاک‌دینی که نشأت گرفته از نفی‌گرایی او در مقابل ایجاب‌گرایی بوده، باعث شده حتی او این شریعت جدید را وارد عرصه زبانی نیز کند و تحت تأثیر فضای عرب‌ستیزی که در سایه ناسیونالیسم باستانگرا پهلوی تبلیغ می‌شد، رو به اصلاح زبان از ناپاکی‌ها آورد. بر این طریق او در دستور زبان فارسی نیز بعضی مفاهیم را جایگزین ساخته است، از قبیل «نام واژه» به‌جای اسم و «کارواژه» به‌جای فعل و «ابدواژه» به جای حرف. او در دیپاچه کتاب خود تحت عنوان «زبان پاک» مقصود خود را از پاک‌زبانی اینچنین بیان می‌کند: «راست گردانیدن زبان فارسی و پیراستن آن از اکھا (عیب‌ها) یکی از خواست‌های ما بوده که از سال ۱۳۲۱ که به پراکنده نامه پیمان برخاسته‌ایم به آن نیز کوشیده‌ایم بدین‌سان که از یک‌سو گفتارها درباره آک‌های آن زبان نوشته و آنها را باز نموده و راه چاره‌اش نیز نشان داده‌ایم و از یک‌سو با برگزیدن واژه‌های فارسی یا گزاردن واژه‌های نوینی یا از راه‌های دیگری به آراستن زبان و درست گردانیدن آن کوشیده‌ایم، چنانکه امروز زبانی را که ما می‌داریم و «پاک زبان» می‌نامیم با زبانی که می‌بود جدایی‌ها پیدا کرده و این است همه سخنانی را که تاکنون درباره زبان گفته‌ایم».

مجموعه این مباحث و آنچه در قامت رسالت متاخر او در احیای ارزش پاک‌دینی جلوه می‌کند باعث شد بتوانیم دین نوظهور او را مجموعه‌ای تغییرات در میان انباشته‌های قدیمی و تلاش برای رسیدن به راهی جدید بدانیم.
■ وحدت دینی و تکثر حقیقت

کسروی که در کتاب «در پیرامون اسلام» با یک تفکیک میان اسلام پیامبر(ص) و اسلام امروز تلاش دارد عمده ناکملی‌های فعلی را به علت دور شدن از فضای دینی مطلوب معنا کند و با مقابل هم قرار دادن «حقیقت اسلام» با «واقعیت جامعه مسلمانان» حرکتی در جهت احیای دینی ایجاد کند، پس از مدتی با رسیدن به این پیش‌فرض که همه ادیان

رو به انفعالی عجیب در قبال تحولات حادث سیاسی و اجتماعی آورده و عمده فعالیت خود را محدود به مبارزه با «بهای‌گری» به‌عنوان مهم‌ترین مصداق انحراف دینی در زمانه خود کرده بودند.

در چنین مقطعی از تاریخ کسروی پروژه «پاک‌دینی» خود را در ابتدای امر در چارچوب یک حرکت معطوف به احیای دین آغاز کرده؛ آغازی که هرچند پایانی متناقض را تجربه کرد اما مبتنی بر شکاف‌های زمانه‌اش سعی در طی کردن مسیری جدید داشت.

کلیدواژه «پیشرفت» در برابر «ارتجاع» از مهم‌ترین گزاره‌های محسوری در ارزش‌گذاری فعل و انفعالات در منظومه فکری کسروی محسوب می‌شود و آنچنان که خواهیم دید او خود با نفی آنچه در آغاز از این واژه تعریف می‌کند، بعدها گرفتار به محدود کردن بسار معنایی این واژه شده و به همین جهت رو به عبور از اندیشه و مرام دینی به بهانه مقابله با «ارتجاع» می‌آورد. او که خود گفته بود «آدمیان در زندگانی همیشه در پیشرفتند... ولی این پیشرفت از دو راه باید بود: یکی از راه افزایش و پی بردن به نیروهای طبیعت... و مانند اینها که از راه دانش‌هاست و دیگری از راه شناختن معنی درست جهان و زندگانی و پی بردن به گوهر آدمی و دانستن جایگاه آن در میان آفریدگان و زیستن به آیین خرد و مانند اینها که باید راه دین نام دهیم»، بعدها در ساحت نظر و عمل حتی شاعر دینی را نیز مصداقی از ارتجاع تفسیر می‌کند و در جلسه‌ای خطاب به اعضای حزب توده می‌گوید: «ما فراموش نکردیم که هنگامی که آقاحسین قمی را با آن ترتیب خاص برای تقویت ارتجاع به ایران می‌آوردند شما در روزنامه خود تجلیل بی‌اندازه از او نمودید و او را اولین شخصیت دینی نامیدند. آقاحسین قمی که بود و برای چه به ایران آمد؟ آقاحسین قمی کسی بود که در زمان رضاشاه در موقع رفع حجاب از زن‌ها مخالفت نشان داده و پا دستور دولت از ایران بیرون رانده شده بود و در این هنگام آورده می‌شد که به دستکاری او دوباره زن‌ها به حجاب بازگردند و باز اوقاف به دست ملایان سپرده شود. در این چند سال بزرگ‌ترین گامی که در راه تقویت ارتجاع برداشته شده این آمدن آقای قمی بود که شما با نوشته‌های خود در آن شرکت کردید». او در جایی دیگر نیز با تمجید از اقدام سرکوبگرانه رضاشاه علیه پوشش حجاب می‌نویسد: «ما از هواداران روگیری می‌پرسیم: روگیری زنان برای چیست؟ شما چه سودی از آن چشم می‌دارید؟ شما از ما می‌پرسید: «چرا باید زن‌ها رو نگیرند؟! ما نیز می‌پرسیم چرا باید رو بگیرند؟! اگر این برای آن است که مردان بیگانه به زنان راه نیابند و آنها از لغزش ایمن باشند،

این نتیجه از آن نتواند بود. چادر و چاقچور و رووند چنین سودی نتواند داد».

بنابراین مساله «پیشرفت» و تعریفی از اسلام بر مبنای ارزش‌هایی که در آن دوره عاملان پیشرفت محسوب می‌شده است از مهم‌ترین چالش‌های زمانه کسروی بوده است. نخستین گام کسروی که می‌توان آن را الگویی نسبتا مشابه در میان روشنفکران تجدیدنظرطلب پس از او نیز دانست، قیاس تاریخی او از «مسیحیت» به‌عنوان نمونه مشابه اسلام در تضاد با پیشرفت بشری بود. او آنچنان که در این‌باره می‌نویسد «در اروپا ۲۰۰ سال است دین – دین مسیح– در برابر دانش‌ها سپر انداخته و زیون گردیده که انبوه مردمان از آن رو گردانیده‌اند» به مرور زمان نیز به این نتیجه رسید که مسیر نیل به پیشرفت را باید در عبور از ارزش‌ها و گزاره‌های دینی جست‌وجو کرد. قدسی‌زدایی از دین و تلاش برای یک تعریف عرفی از دین که در نهایت می‌تواند چرخ پیشرفت محسوب شود، هرچند که با نخستین مواضع وی در ثنویت‌بخشی به مفهوم پیشرفت در تضاد بود اما از جهات زیادی تأثیرپذیرفته از تفاسیر ماتریالیستی از پیشرفت بود، به گونه‌ای که حتی مخالفت او با اصل «خاتمیت» را نیز می‌توان در چارچوب عدم همخوانی این اصل با باور به ترقی مطلق در سیر تحولات زمانی جست‌وجو کرد.

نتیجتاً می‌توان کسروی را همچون عمده‌ای از تجدیدنظرطلبان دینی تأثیرپذیرفته از تضادهای زمانه و در تلاش برای ارائه تفسیر جدید از دیانت و عبور از اصول پیشین دانست، به همین جهت نیز ابهام در تعریفی جامع از مفهوم «پیشرفت» آنچنان که در مثال‌هایی نیز مورد اشاره قرار گرفت، باعث شد کسروی مدل پاک‌دینی خود را بر اساس نفی خاتمیت و اصول دینی بنا نهد.

«بازی سوم کسروی بازی است. حالا که بهایی‌ها فرقه‌ای شده‌اند درسته و از شور افتاده و سر به پيله خود فرو کرده و دیگر کاری از ایشان ساخته نیست، چرا یک فرقه تازه درست نکنیم؟ این است که از وجود یک مورخ دانشمند و محقق کنجکاو، یک پیغمبر دروغی می‌سازند، باطیل باف و آیه نازل کن؛ تا فورا در شرب الیهود پس از شهریور ۲۰ در حضور قاضی دادگستری ترور بشود و ما اکنون در حسرت بمانیم که تنها تاریخ‌نویس صالح زمانه، پیش از اینکه کارش را تمام کند، تمام شده است. و پیش از اینکه نقطه ختام بگذارد بر داستان بی‌آبرویی رجال مشروطه کشته بشود». (در خدمت و خیانت روشنفکران؛ جلال آل‌احمد)

این فراز صریح از زبان مرحوم آل‌احمد را که در قالب یکی از «بازی‌های روشنفکران کم خون در فصل معاصر کسروی طرح شد، می‌توان به‌عنوان مقدمه‌ای کوتاه از بازخوانی مسیر طی شده «احمد کسروی» دانست؛ روحانی و مورخ مشروطه‌خواهی که با نیت احیای اندیشه دینی در بافت اجتماعی زمانه خود آغاز به کار کرد اما در نهایت اندیشه «پاک‌دینی» وی و پیروانش او را به جایگاه نفی دیانت اسلام، باور به تکثر حقیقت دینی و باطل شمردن خاتمیت و ادعای پیامبری کشاند. بر این اساس نظر انداختن بر سیر نظریات کسروی بدون داشتن درکی جامع نسبت به شکاف‌های نظری «مانه» وی، ما را از رسیدن به باور و بینشی جدی پیرامون سرشت و سرنوشت او ناکام می‌گذارد. او آنچنان که در آغاز طرح مباحث دینی خود باور به احیای دیانت اصیل داشت، نوشته بود: «ما خوب به یاد داریم که تا ۲۰ سال پیش که زندگی کهن شرقی خود را داشتیم، آسایش‌مان چه بود و امروز که به زندگانی غربی آلوده گردیده‌ایم، سختی‌مان چیست. هنوز هم آغاز کار ما است که هر گاه از این راه که از پی غربیان پیش گرفته‌ایم برگردیم، سختی و گرفتاری‌مان چندین برابر خواهد بود... به ویژه امروز که کاروان جهان در گمراهی شگرفی افتاده... گمراهی که مانند آن هرگز نبوده... جهان چنین حال بدی هرگز ندیده بود. روشی را که اروپا برای زندگی برگزیده و دیگران خواه ناخواه پیروی از او دارند، این روش عقبت بسیار شومی دارد. جهان از بیرون آراسته و زیبا

ولی جهانبان از آسایش و خرسندی بی‌بهره‌اند». و در سال‌های پایانی عمر خود به این باور رسیده بود که «این کیش(تشیع) با خرد ناسازگار است، با دانش‌ها ناسازگار است، با تاریخ ناسازگار است، با خود اسلام ناسازگار است، با زندگانی ناسازگار است، پس از همه اینها با مشروطه که ما با خونریزی و فداکاری به دست آورده‌ایم ناسازگار است. ما صد ایراد به این کیش می‌داریم ولی اشکال بزرگ بر سر همان بخش اخیر است،

بر سر همان ناسازگاری با مشروطه است. در این کشور یا زندگانی دموکراسی یا کیش شیعی، یا سررشته‌داری توده یا حکومت ملایان، یا آن یا این، هر دو در یکجا نتواند بود. ایرانیان یا باید شیعه باشند و به آموزه‌های شیعی گری راه روند و مشروطه را رها کنند، یا هوادار مشروطه بوده به کیش شیعی چاره اندیشید».

رسیدن به این تحلیل که چگونه کسروی در سیری متناقض از بینش به‌شدت متناقضانه به غرب و پدیده عارض گشته غرب، رو به چنین نفی حداکثری در باب مذهب شیعی آورده است تا حد زیادی می‌تواند علاوه بر پاسخگویی پیرامون مسیر طی شده توسط وی، ما را با نقشه راهی که مقابل عمده «تجدیدنظرطلبان دینی» در دهه‌های پس از وی قرار گرفت آشنا کند.

■ زمان، زمانه و مساله پیشرفت

زمانه فعالیت کسروی را فارغ از تنش‌های عرصه قدرت (که به نیت‌بست با تنش‌های نظری نیز نبود) باید زمانه‌ای در جهت نسبت‌سنجی میان «دیانت» و «ترقی» دانست. لازم و ملزوم دانستن این دو یا داشتن نسبتی متباین در میان‌شان باعث شد عمده جریانات دینی نخستین جنبه هویتی خود را بر اساس جایگاهی که در این نسبت دوگانه به دین ارائه می‌دادند تعریف کنند. از یک‌سو فرقه ضاله بهائیت که فضا را برای بازنمایی نظرات خود مجدد فراهم می‌دید، با این باور که شرایط متغیر جهانی مقتضی تغییر در برخی احکام شریعت است، حکم بر «تجدید شریعت در گذر ایام» می‌داد و در این راه «جامعیت» و «خاتمیت» دینی را از اساس به باد انتقاد می‌گرفت و از سوی دیگر در سایه شکست مشروطه‌خواهی و سرکوب جریان‌های دینی در سایه ناسیونالیسم باستان‌گرایانه پهلوی، بخش عمده‌ای از نیروهای سنتی در پایگاه روحانیت
